

کارگران همه کشورها متحد شوید!

دمکرات آذربایجان" دارای کمیته مرکزی خود، با حقوق کمیته ایالتی باشد.

در شرایط کنونی حزب توده ایران وحدت سازمانی همه نیروهای پیرو سوسیالیسم علمی را بخاطر رشد و گسترش همه جانبه جنبش کمونیستی و کارگری کشور و تامین نقش رهبری طبقه کارگر در نهضت انقلابی ضرور می‌داند و در این راه از هیچ تلاشی فرو گذار نمی‌کند.

جهان بینی و مشی سیاسی حزب

جهان بینی حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران، مارکسیسم - لنینیسم است و هدف های نزدیک و دور و مشی سیاسی و سازمانی آن از انطباق این جهان بینی علمی و انقلابی بر شرایط ویژه جامعه ایران ناشی می‌شود.

هدف غائی حزب، استقرار سوسیالیسم و کمونیسم برای پایان دادن به بهره کشی فرد از فرد، تامین آزادی و دمکراسی و شکوفایی شخصیت توده های زحمتکش است. تنها در چارچوب چنین نظامی با ارتقاء سطح رفاه عمومی، توسعه فرهنگ و گسترش مناسبات عمیقاً انسانی امکان رشد آزاد و همه جانبه استعدادها فراهم می‌شود. تجربه کشورهای سوسیالیستی امکان تحقق این اصول انسانی عادلانه را به ثبوت رسانده است.

جنبش جهانی کمونیستی پیشاهنگ گردانهای گوناگون روند انقلابی جهان است.

کمونیست ها در عین حال برای تحقق خواست های نزدیک و دور طبقه کارگر و تمام زحمتکشان، از جمله پیشرفت اجتماعی، صلح، خلع سلاح و امنیت عمومی مبارزه می‌کنند. امروز هم مانند گذشته، طبقه کارگر نیروی انقلابی عمده دوران ما را تشکیل می‌دهد. در جهان سرمایه داری، طبقه کارگر آن نیروی اساسی است که برای متلاشی کردن نظام بهره کشی و ساختن یک جامعه نوین بیکار می‌کند. در کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین، طبقه کارگر در حال رشد زیر فشار و چانه سرمایه خارجی و سرمایه داخلی قرار دارد و علیه آنها مبارزه می‌کند و در جریان این مبارزه رشد سیاسی و درجه سازمان پذیری آن افزایش می‌یابد.

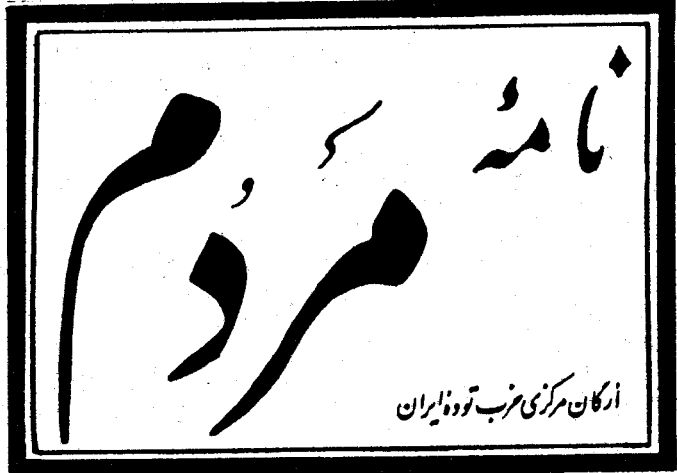
برخاسته از این واقعیت، حزب توده ایران در راه رشد آگاهی سیاسی و اجتماعی و شناساندن سوسیالیسم به توده های زحمتکش و در درجه اول طبقه کارگر و آماده ساختن این طبقه برای انجام رسالت تاریخی خویش مبارزه می‌کند.

حزب توده ایران مدافع پیگیر و سرسخت استقلال سیاسی و اقتصادی و تمامیت ارضی کشور و منافع واقعی توده های زحمتکش و دارای ریشه های عمیق خلقی است. مبنی پرستی از دیدگاه حزب ما، خواست سعادت مردم، علاقه پرشور به رشد و پویایی فرهنگ ملی و سرنوشت حال و آینده خلق های ایران است.

حزب توده ایران پناه ماهیت طبقاتی و جهان بینی و خصلت میهن دوستانه خود به اصل انترناسیونالیسم پرولتری پایبند است و اعتقاد دارد که میهن پرستی و انترناسیونالیسم پرولتری با یکدیگر پیوند جدایی ناپذیر دارند. ایجاد جامعه سوسیالیستی در کشور ما مهمترین وظیفه ملی و انترناسیونالیستی حزب توده ایران است.

در همان حال، حزب توده ایران دفاع از سیستم جهانی سوسیالیسم، جنبش کمونیستی و کارگری در جهان سرمایه داری و جنبش های آزادیبخش ملی و ضدامپریالیستی را از جمله وظایف انترناسیونالیستی خود می‌داند. انترناسیونالیسم پرولتری از نظر حزب ما عبارت است از پیوند جدایی ناپذیر همبستگی انقلابی و شناخت استقلال کامل و برابری حقوق هر حزب. حزب توده ایران تاثیر متقابل عوامل داخلی و خارجی را در جنبش انقلابی در نظر می‌گیرد، اما پراست که عامل داخلی، یعنی سطح رشد ایدئولوژیک - سیاسی نیروهای انقلابی، درجه تشکل و استواری حزب طبقه کارگر، چلپ توده های خلق به مبارزه و تناسب نیروهای طبقاتی نقش تعیین کننده را دارد.

خصلت و مضمون اساسی دوران ما گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم و کمونیسم و مسابقه تاریخی دو سیستم اجتماعی - سیاسی جهانی است. دوران ما، دوران انقلاب های سوسیالیستی و آزادیبخش و تلاشی سیستم استعماری



شماره ۱۱۸ دوره هشتم - سال سوم
پنجشنبه سیزدهم شهریورماه ۱۳۶۵
بها ۲۰ ریال

برنامه حزب توده ایران

پیشگفتار

اندیشه های مارکسیستی در جنبش آزادیبخش ملی میهن ما، از نقش و اهمیت ویژه ای برخوردار هستند. ده ها سال تجربه انقلابی و فعالیت خلاق ایدئولوژیک - سیاسی و سازمانی گروه های سوسیال دمکرات ایران در میان کارگران و زحمتکشان، زمینه تشکیل حزب طبقه کارگر ایران را فراهم ساخت و سرانجام کنگره حزب سوسیال دمکرات کارگری ایرانیان - "عدالت" که در آخر خرداد و اوایل تیرماه ۱۳۹۱ در انزلی برگزار شد، موجودیت حزب کمونیست ایران را رسماً اعلام کرد.

حزب کمونیست ایران در اشاعه افکار مارکسیستی - لنینیستی، تربیت کادرهای انقلابی و هدایت مبارزات علمی طبقه کارگر جوان ایران، تکامل جنبش آزادیبخش ملی و بسط افکار و اندیشه های دمکراتیک تاثیر نیرومندی بر جای نهاد و صفحات درخشانی را در تاریخ معاصر ما گشود.

در سال های جنگ جهانی دوم و پس از آن، جنبش آزادیبخش ملی و دمکراتیک در میهن مادامه گسترده ای یافت. تشکیل حزب توده ایران، به مثابه ادامه دهنده پلا واسطه راه حزب کمونیست ایران در دهم مهرماه ۱۳۲۰، بدون شک یکی از مهمترین پدیده های اجتماعی - سیاسی تاریخ معاصر کشور ما است. حزب توده ایران حامل ایدئولوژی و جهان بینی علمی مارکسیستی - لنینیستی و سنت های گرانهای مبارزاتی حزب کمونیست ایران است و گروهی از کادرهای حزب کمونیست ایران با شرکت فعال در پایه گذاری و سازماندهی آن، تداوم فعالیت انقلابی کمونیست های ایران را تامین کردند.

در سال های ۱۳۲۴ - ۱۳۲۵ همزمان با اوج گیری جنبش ملی و دمکراتیک در آذربایجان و کردستان، فرقه دمکرات آذربایجان و حزب دمکرات کردستان بنیاد گذاشته شدند و به مبارزه قهرمانانه ای برای مصالح خلق دست زدند.

در سال ۱۳۲۹ در "کنفرانس وحدت" مساعی کمیته های مرکزی حزب توده ایران و فرقه دمکرات آذربایجان در راه تامین وحدت رهبری و سازمانی حزب طبقه کارگر به موفقیت انجامید. کنفرانس موافقت کرد که حزب طبقه کارگر در سراسر ایران به نام "حزب توده ایران" اعلام گردد، کمیته مرکزی حزب مرکز واحد رهبری کلیه سازمانهای حزب طبقه کارگر در ایران باشد و سازمان واحد طبقه کارگر در آذربایجان با حفظ نام "فرقه

پیروزی مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

امپریالیسم، دوران مبارزه نیروهای محرکه عمده پیشرفت اجتماعی، یعنی سوسیالیسم جهانی، جنبش کارگری و کمونیستی بین المللی و نیز نهضت های دموکراتیک توده ای علیه امپریالیسم و در راه دموکراسی و پیشرفت اجتماعی و صلح است. برپایه این واقعیت، حزب توده ایران مبارزه خلق های ایران در راه آزادی، استقلال و پیشرفت اجتماعی را از مبارزه سایر خلق های جهان در این راه جدا نمی داند، بلکه آن را حلقه ای از یک زنجیر و جزئی از یک کل واحد تلقی می کند.

حزب توده ایران عضو وفادار خانواده بزرگ احزاب کمونیستی و کارگری است و بر آنست که تنوع موجود در جنبش کمونیستی و کارگری به هیچ وجه به معنی جدایی میان آنها نیست، کما اینکه وحدت و یگانگی نیز به هیچ رو به معنی برتری حزبی بر حزب دیگر و یا مداخله آنها در امور داخلی هم نبوده و نیست.

نیروی جنبش کمونیستی و کارگری از پر خورده خلاق به واقعیت ها برپایه آموزش جهانشمول مارکس، انگلس و لنین، از همبستگی طبقاتی احزاب کمونیستی و کارگری، همکاری پراپر حقوق در مبارزه در راه هدف های مشترک یعنی صلح و سوسیالیسم سرچشمه می گیرد.

حزب توده ایران از اصول انقلابی مارکسیسم - لنینیسم دفاع می کند و بر ضد هر کوششی برای نادیده گرفتن و انحراف از اصول حیاتی آموزش مارکس، انگلس و لنین پخاطر جلوگیری از تضعیف جنبش کمونیستی و کارگری، قاطعانه مبارزه خواهد کرد.

حزب توده ایران با توجه به دگرگونی های چند دهه اخیر جهان، ویژگی های اصلی مرحله کنونی روند انقلاب جهانی را چنین ارزیابی می کند که تناسب نیروها در عرصه جهانی، به سود خلق هایی که در راه پیشرفت اجتماعی، دموکراسی، آزادی ملی و صلح مبارزه می کنند، تغییر یافته است و سرنوشت صلح و پیشرفت اجتماعی با پویایی سطح رشد اقتصادی - سیاسی سیستم جهانی سوسیالیسم پیوند مستقیم دارد. جامعه کشورهای سوسیالیستی، در راس آن اتحاد شوروی به چنان نیروی عظیمی تهدید گردیده است که بدون شرکت آن حل هیچ یک از مسایل مهم جهانی امکان پذیر نیست.

مشخصات عمده اوضاع جهان و ایران

الف - جهان

در دوران کنونی، بین سیستم جهانی سوسیالیسم، کشورها و نیروهای ترقی خواه و صلح دوست از یک سو و دولت های امپریالیستی و متحدان و ایسکرا و جنگ طلب آنها از سوی دیگر، تضادهای حادی وجود دارد. در این میان، حفظ و تحکیم پایه های صلح و امنیت عمومی، پایان بخشیدن به مسابقه تسلیحاتی به مثابه سرچشمه عمده تهدید نظامی، یعنی تدارک مادی جنگ، گسترش دامنه روند تشنج زدایی و خشکاندن ریشه خطر جنگ هسته ای که موجودیت انسان را تهدید می کند، عاجل ترین، حادترین و مهمترین مساله جامعه انسانی است.

اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی همه قدرت و امکان های اقتصادی، سیاسی، فنی و فرهنگی و مجموعه تجربه های پر ارزش خویش را پدیدریخ در راه حفظ و تحکیم صلح و پیشبرد امر سوسیالیسم و پیروزی جنبش های آزادیبخش ملی پکار گرفته اند. مبارزه در راه صلح و مبارزه در راه سوسیالیسم جدایی ناپذیر هستند.

کشورهای سوسیالیستی، علیرغم دشواریها و موانعی که امپریالیسم در سر راه تکامل آنها پدید آورده است و پدید می آورد، وظایف خود را در زمینه پیشرفت و توسعه اقتصادی، اعتلای رفاه اجتماعی و ارتقای سطح دانش و فرهنگ با کامیابی انجام می دهند و به عنوان نیروی عمده نبرد ضد امپریالیستی روز به روز شگوفاتر می شوند. توازن نظامی - استراتژیک میان اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا یکی از بزرگترین دستاوردهای تاریخی سوسیالیسم به شمار می رود.

سراسر تاریخ سرمایه داری عبارت از تاریخ تعقیب تضاد اصلی آن، یعنی تضاد میان خصلت اجتماعی تولید و شکل تصاحب خصوصی محصول تولید سرمایه داری است.

بحران عمومی سرمایه داری در همه زمینه های ایدئولوژیک، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تشدید شده است. این بحران به ویژه موجب رشد

و گسترش بیکاری دم افزون به مثابه یک معضل غیر قابل حل و تشدید فقر - معروف به "فقر نو" - در جهان سرمایه داری گردیده است. بحران در عرصه های مختلف اجتماعی - اقتصادی جوامع سرمایه داری تشدید می شود و این نظام ناتوانی خود را در حل مسایل و معضلات پفرنج اجتماعی و ایجاد جامعه ای فارغ از بحران پیش از پیش نشان می دهد. همه این عوامل موجب تشدید بازهم بیشتر تضادهای طبقاتی در کشورهای سرمایه داری شده است.

امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم تجاوزگر آمریکا که سیاست مسابقه تسلیحاتی هسته ای و کشاندن دامنه آن به فضای کیهانی را در پیش گرفته است، با تمام قوا می کوشد تا ضمن تضعیف مواضع سوسیالیسم در جهان، جنبش های آزادیبخش ملی را سرکوب کند.

امپریالیسم از رژیم های فاشیستی، نژادپرست، ارتجاعی و تروریست در سراسر جهان حمایت می کند. امپریالیسم آمریکا به خود حق می دهد که برای مداخله در امور داخلی دیگر کشورها از قدرت نظامی استفاده کند.

توطئه های امپریالیسم و متحدان و ایسکرای آن در منطقه خلیج فارس، خاورمیانه و نزدیک، آمریکای لاتین و آفریقای جنوبی گواه بر این واقعیت است. محاصره اقتصادی، فشارهای دیپلماتیک، تهدیدهای نظامی و ایجاد کانون های جنگ منطقه ای، جنگ روانی - تبلیغاتی از جمله ابزارها و شیوه های رایج امپریالیسم در رویارویی با کشورهای نواستقلال است.

امپریالیسم مسئول ایجاد شکاف ژرف میان سطح رشد اقتصادی کشورهای سرمایه داری صنعتی و اکثر کشورهای نواستقلال است.

علیرغم توطئه های امپریالیسم، مبارزه خلقها اوچ تازه ای می گیرد. سیاست نواستعماری امپریالیسم در آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین دچار بحران شده و کشورهای نواستقلال نبرد پرمه ای را برای دستیابی به استقلال اقتصادی آغاز کرده اند. کمونیست ها در این کشورها در راه آزادی، استقلال ملی و نهایتاً استقرار سوسیالیسم پیکار می کنند و به مثابه رزمندگان پیگیر جنبش های انقلابی و ضد امپریالیستی پیشاپیش توده های عظیم زحمتکشان قرار می گیرند.

کمونیسم ستیزی و هسته اصلی آن شوروی ستیزی، حربه عمده امپریالیسم و ارتجاع برای بی اعتبار ساختن جهان بینی مارکسیسم - لنینیسم و دستاوردهای شگرف سیستم جهانی سوسیالیسم است. این حربه پیش از پیش کند می شود و توده های مردم به ماهیت مردم فریبانه آن پیشتری می برند.

ب - ایران

انقلاب بهمن ۵۷، انقلابی خلقی، ضد استبدادی، ضد سلطنتی و ضد امپریالیستی بود و به درستی مهمترین رویداد سیاسی - تاریخی معاصر کشور ما ارزیابی می شود. مهمترین خواست های توده های میلیونی کارگران، دهقانان، پیشه وران، روشنفکران آزادیخواه و مترقی میهن ما که پار اصلی انقلاب پر دوش کشیدند، در موارد زیرین خلاصه می شد:

۱ - سرنگون کردن رژیم سلطنتی، پایان دادن به سیطره امپریالیسم و دستیابی به استقلال سیاسی و اقتصادی؛

۲ - اجرای اصلاحات دموکراتیک بنیادی در تمام زمینه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی پسود نیروهای شرکت کننده در انقلاب، به ویژه کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان شهر و روستا.

دربی پیروزی انقلاب بهمن ۵۷، رژیم استبدادی شاه سرنگون گردید، حاکمیت جدید در ابتدا، از جمله به اقدامات زیر دست زد:

اخراج مستشاران آمریکایی و برچیدن پایگاه های نظامی و جاسوسی آمریکادر ایران، ملی کردن ۷۰ درصد صنایع بزرگ متعلق به سرمایه داران بزرگ داخلی و انحصارهای خارجی و در اختیار گرفتن حدود ۶۰۰ مؤسسه صنعتی کوچک توسط دولت، ملی کردن بانکهای خصوصی و بیمه ها با مشارکت سرمایه های داخلی و انحصاری خارجی، تصویب قانون اصلاحات ارضی مشهور به پند "ج" و "د"، افزایش حداقل دستمزدها از ۲۱۷ ریال به ۵۶۷ ریال، سیادت دولت در بازرگانی خارجی، الغای قراردادهای اسارتبار اقتصادی با دول امپریالیستی، خروج ایران از "بیمان سنتو" و پیوستن آن به چرخه کشورهای غیرمتعهد، کان لم یکن اعلام کردن قرارداد نفتی سال ۱۹۷۲ متعده میان کنسرسیوم بین المللی و شرکت نفت ایران..

ولی، انقلاب بهمن در نتیجه عدول آشکار رهبران مرتجع جمهوری اسلامی از آماج های ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب، نتوانست موانع پیشرفت اجتماعی را از عرصه سیاسی و اجتماعی کنار بزند و گام های اساسی به سود

چهل و پنجاه، موجب رشد کمی و کیفی طبقه کارگر گردید. تمرکز نسبی کارگران صنعتی در موسسه‌ها و مجتمع‌های تولیدی بزرگ، امکان مانور آنها را در مبارزه افزایش داد. این امر موجب آن شد که پرولتاریای صنعتی - و در صف نخست آن کارگران نفت - نقش قاطعی در پیروزی انقلاب ایفا کنند و تجربه‌های گرانمایی بیندورزند.

پس از انقلاب به علل گوناگون و طی روندی که هنوز ادامه دارد، تغییراتی در جهت کاهش تعداد کارگران به نسبت کل نیروهای فعال جامعه بوجود آمد. این تغییرات منفی زاینده سیاست ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی است.

ادامه جنگ و کشنده شدن دامنه آن به شهرها، از سویی منجر به نابودی برخی موسسه‌ها و مجتمع‌های بزرگ صنعتی مانند پالایشگاه عظیم آبادان و نورد آهن اهواز و پتروشیمی، از جمله کانون‌های اصلی تجمع پرولتاریای صنعتی ایران، گردید و از سوی دیگر سبب کاهش تولیدات صنعتی، معدنی و کشاورزی در کشور شد. به علت کمبود مواد خام، نیم ساخته و قطعات یدکی اکثر کارخانه‌ها یا با نصف ظرفیت کار می‌کنند و یا تعطیل شده‌اند. افزون بر این با ویران شدن بزرگترین بندرهای ایران در منطقه عملیات نظامی، کاهش حجم تولید نفت خام تا کمتر از نصف تولید پیش از انقلاب و همچنین پایین آمدن مستمر تولید فرآورده‌های کشاورزی و رکود فعالیت‌های ساختمانی زمینه پیوستن بخش چشمگیری از کارگران شاغل شهرها و روستاها به انبوه بیکاران را فراهم ساخت.

اگر بر مجموعه این عوامل، خودداری رژیم از سرمایه‌گذاری در زمینه ایجاد صنایع تولید و سایل تولید و تمایل هرچه بیشتر به اختصاص اعتبارهای بانکی برای ایجاد موسسات صنعتی کوچک هم افزوده شود، آنگاه با روند توقف پرولتاریا سیون و سیر قهقراپی آن در سالهای پس از انقلاب مواجه می‌شویم.

وابستگی فزاینده زندگی اقتصادی کشور به صدور نفت خام، خصلت اقتصاد تک کالایی را پیش از پیش تشدید کرده است. خصلت اقتصادی تک کالایی نیز نمی‌تواند در کاهش کمی طبقه کارگر موثر نباشد.

همراه با ژرفش بحران اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، آگاهی کارگران نسبت به هدفها و خواستهای طبقاتی رژیم "ولایت فقیه"، با اتکاء به تجربه عینی افزایش می‌یابد.

پرولتاریای صنعتی امروز ایران از میدان‌های پر تجربه و آزمون انقلاب بهمین و مبارزه طبقاتی پس از انقلاب گذشته است. پرولتاریای صنعتی ایران در جریان پیروزی انقلاب بهمین ثابت کرد که قادر است برای دستیابی به هدفهای انقلابی و دمکراتیک با اطمینان پیش برود. این بخش از پرولتاریا با وجود آن که از نظر کمی کاهش یافته است مانند گذشته مهمترین و اساسی‌ترین نیروی انقلابی کشور ما به شمار می‌رود.

طبقه کارگر ایران استوارترین نیروی ترقی‌خواه، پیگیرترین و انقلابی‌ترین بیکارگر راه آزادی، استقلال، پیشرفت اجتماعی و صلح و سرسخت‌ترین دشمن امپریالیسم است؛ از این رو، می‌تواند چه در راه تامین آزادیهای دمکراتیک و چه در راه مبارزه استقلال طلبانه و چه در راه انجام دگرگونی‌های بنیادی در زندگی اجتماعی - اقتصادی کشور، نقش تعیین کننده ایفا کند.

دهقانان

دهقانان ایران، بر پایه منافع طبقاتی خویش، دارای گرایش‌های ضد امپریالیستی و دمکراتیک هستند و در میان آنها، دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین نزدیک‌ترین و عمده‌ترین متحدان طبقه کارگر در راه انجام تحولات بنیادی، از جمله حل دمکراتیک مسأله ارضی بشمار می‌روند. انقلاب بهمین نتوانست مسأله ارضی را حل کند و بدینسان حادثه‌ترین، جدی‌ترین و مهمترین خواست دهقانان بدون پاسخ ماند.

در جریان انقلاب بهمین، در برخی از نواحی کشور، دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین به ابتکار خویش و با حمایت نیروهای انقلابی، ارضی زمینداران بزرگ را تصرف کردند. اما زمینداران بزرگ که از دیرباز پیوندهای نزدیکی با روحانیون طراز اول داشتند، به کمک آنان توانستند اصلاحات ارضی را متوقف کنند. سپس روند بازپس گرفتن زمینها از دهقانان آغاز گردید که با مقاومت شدید آنان روبرو شد. این روند همچنان ادامه دارد.

توده‌های میلیونی زحمتکشان بردارد. آماج‌های ملی و دمکراتیک انقلاب تحقق نیافت و ناتمام ماند. در نتیجه انقلاب تحرک و پویایی خود را از دست داد و گام به گام به عقب نشست و دستاوردهای آن همچنان یکی پس از دیگری مثله و نابود می‌شود.

بحران اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و ایدئولوژیک عمیقی کشور ما را فرا گرفته است. رژیم عملاً سیاست تمرکز زمین و دیگر وسایل تولید در دست اقلیت بزرگ مالکان و کلان سرمایه‌داران را در پیش گرفته است. در چارچوب چنین جامعه‌ای حکومت بنا به ماهیت طبقاتی خود شرایط تشدید بهره‌کشی و در تحلیل نهایی وابستگی به امپریالیسم را مهیا می‌سازد. این راه به هر اسم و به هر عنوان و زیر هر پوششی از جمله "اقتصاد اسلامی" ارائه شود، جز راه رشد سرمایه‌داری نیست و نخواهد بود.

سیاست کنونی رژیم جمهوری اسلامی تضادهای سیاسی - اجتماعی درون جامعه ما را تشدید می‌کند و کشور را به سوی یک بحران عمومی سیاسی می‌راند.

هم اکنون آشفتگی اقتصادی، وابستگی شدید اقتصاد کشور به انحصارهای فراملیتی، کاهش تولیدات صنعتی و کشاورزی، تورم فزاینده، بیکاری روزافزون، ژرفش مستمر شکاف موجود میان فقر و ثروت، زبان‌های چهران ناپذیر ناشی از ادامه جنگ ایران و عراق، گسترش رشوه‌خواری و حیف و میل اموال عمومی و فساد به عنوان پیامدهای ناگزیر سیاست رژیم، به روشنی چهره خود را نشان می‌دهد.

ویژگی‌های عمده رژیم حاکم بر ایران عبارتند از: استبداد مذهبی به شکل تمرکز اختیارات قوای سه‌گانه مقننه، مجریه و قضائیه در دست یک نفر بر پایه اصل "ولایت فقیه"، کنترل پلیسی جامعه، سرکوب آزادیها و حقوق دمکراتیک مردم، بیکرد و بازداشت و شکنجه و قتل و اعدام مخالفان، اعمال ستم ملی و تفضیقات مذهبی، حمایت از منافع کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان به مثابه پایگاه امپریالیسم در ایران، نفی همزیستی مسالمت آمیز و معرفی جنگ به عنوان "رحمت الهی"، دخالت در امور داخلی دیگر کشورها برای "صدور انقلاب اسلام"، کمونیسم ستیزی و شوروی ستیزی، زیر پا گذاشتن حقوق سیاسی و اجتماعی زنان یعنی نیمی از مردم کشور، گام برداشتن در راه انهدام فرهنگ ملی و کوشش مستمر بخاطر تحمیل توده‌ها و اشاعه خرافات و موهومات و سنن قرون وسطایی، علم ستیزی، فرهنگ ستیزی و دشمنی کین‌توزانه با تاریخ، زبان، ادبیات و هنر خلق‌های ایران.

استقرار نظام خودکامه "ولایت فقیه"، مسئله سرنگونی رژیم و دمکراتیزه کردن نظام اجتماعی - سیاسی را به مهمترین مسئله روز تبدیل کرده است.

احیاء مواضع اقتصادی امپریالیسم از طریق برقراری بخش اعظم مناسبات بازرگانی خارجی با انحصارهای فراملیتی و حفظ درآمیزی سرمایه دولتی با سرمایه انحصارهای امپریالیستی، تضاد میان خلق و در درجه اول زحمتکشان را با منافع غارتگرانه انحصارهای فراملیتی تقویت می‌کند.

بر این بنیان، تضاد میان منافع کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان و منافع کارگران، دهقانان، خرده بورژوازی شهری، در مجموع خود پیش شرطهای عینی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی رشد جنبش انقلابی را فراهم آورده است.

تحول در آرایش طبقاتی جامعه

انقلاب بهمین ۱۳۵۷ تغییرات محسوس در ترکیب و آرایش طبقاتی جامعه ایران پدید آورده است. پس از انقلاب حاکمیت به گروه جدیدی متشکل از خرده بورژوازی، لایه‌هایی از بورژوازی صنعتی متوسط و بورژوازی تجاری انتقال یافت.

پایگاه اجتماعی هیات حاکمه در حال حاضر گرچه یک دست و همگون نیست، ولی بیانگران منافع کلان سرمایه‌داران بازاری و بزرگ مالکان نقش وزن عمده را در تعیین سیاست داخلی و خارجی رژیم به عهده گرفته‌اند.

طبقه کارگر

رشد مناسبات تولید سرمایه‌داری در شهرها و روستاهای ایران در دهه‌های

از خود نشان دادند، امروز نیز نیروی قابل ملاحظه ای را تشکیل می دهند. وضع زندگی حاشیه نشینان شهرها و نیمه پرولترها، با وجود امیدهایی که به حاکمیت بسته بودند، طاقت فرساست. جنبش های اعتراضی و مطالباتی در میان این گروه به تدریج اوج می گیرد. رژیم تلاش می ورزد تا از باورهای مذهبی این زحمتکشان برای نگهداشتن آنها در کنار خود حداکثر بهره برداری را به عمل آورد.

لومین پرولتاریا که قربانی جامعه سرمایه داری و فاقد پایگاه ثابت اجتماعی است، هرچه بیشتر در خدمت ارتجاع قرار می گیرد. اکثریت روشنفکران ایران - نویسندگان، هنرمندان، روزنامه نگاران، آموزگاران، دبیران، دانشجویان، استادان دانشگاه، کارمندان، نظامیان، میهن پرست، مهندسان، حقوقدانان، پزشکان و سایر کارکنان خدمات اجتماعی اساسا دارای گرایشهای آزادیخواهانه و ملی و دمکراتیک هستند، از شرایط ترور و اختناق رنج می برند و بخش متری و انقلابی آنها با زحمتکشان پیوند نزدیک دارند. ضرورت های عینی مبارزه، لزوم و اهمیت اتحاد نزدیک با طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان شهر و روستا را برای روشنفکران مترقی و میهن دوست محسوس تر می سازد. در این چارچوب، بخشی از روشنفکران در طیف نیروهای چپ و انقلابی جای گرفته و از جمله به پیروان سوسیالیسم علمی پیوسته اند و در راه هدفها و آرمانهای طبقه کارگر مبارزه می کنند. گروهی از روشنفکران نیز در نتیجه عوامل گوناگون و از جمله پیوندهای طبقاتی با غارتگران اجتماعی، دارای خصلت ضدکمونیستی هستند و در صف ضد انقلاب قرار می گیرند.

کارمندان بخش های دولتی و خصوصی و دیگر نهادها و بنیادهای نیمه دولتی که از لحاظ کمی نیروی قابل توجهی هستند، نقش شایانی در انقلاب داشتند. بدیهی است که کارمندان گروه ناهمگونی با وابستگی های طبقاتی گوناگون هستند.

در شرایط کنونی، وضع معیشتی کارمندان رده های پایین و میانی بر اثر کاهش درآمد واقعی و تخیم تر می شود. فشار روحانیون حاکم، کارگزاران حکومتی و نهادهای تفتیش عقاید، اختناق سیاسی، گسترش فساد و ارتشاه و باندبازی در ادارات و عدم امکان ارتقای شغلی بر اساس شایستگی، این قشر وسیع را هرچه بیشتر به مقاومت و مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی سوق می دهد.

این گروه اجتماعی دارای گرایشهای ملی و دمکراتیک است و به علت تمرکز در ادارات دولتی و نهادها و بنیادها می تواند به گونه ای کم و بیش متشکل به صحنه مبارزه برضد رژیم گام گذارد.

پس از انقلاب، با این که رژیم در مقاطع گوناگون، دگرگونی های چشمگیری در مجموعه نیروهای نظامی و انتظامی بوجود آورده و از آن برای سرکوب خلق استفاده می کند، اما همچنان در میان پرسنل نیروهای مسلح، کم نیستند میهن پرستانی که با الهام از سنتهای دیرینه انقلابی و دمکراتیک افسران و درجه داران ارتش ایران به مبارزه با رژیم استبدادی قرون وسطایی و بیکار در راه آماج های ملی و دموکراتیک برمی خیزند.

روحانیون

روحانیون شیعه طیف وسیعی را تشکیل می دهند که علیرغم اعتقاد به اسلام به عنوان ایدئولوژی واحد، دارای مواضع سیاسی - اجتماعی یکسان نیستند. پیوندهای اجتماعی - اقتصادی و سیاسی لایه فوقانی روحانیت شیعه با بورژوازی - بویژه بازاریان - و زمینداران بزرگ، تقویت شده است. بسیاری از روحانیون در ارگانهای قانونگذاری و قضایی و اجرایی، به مثابه نمایندگان سیاسی کلان سرمایه داران و زمین داران بزرگ عمل می کنند.

عده کثیری از روحانیون شیعه نیز که مسئولان درجه دوم دستگاههای دولتی و نظامی و غیره را تشکیل می دهند، از آنجا که جز با تکیه بر فشار و سرکوب نمی توانند مقام خود را حفظ کنند، در زمینه تثبیت سلطه بورژوازی بوروکراتیک و حفظ استبداد قرون وسطایی، با بخش فوقانی روحانیت دارای منافع مشترک هستند. مجموعه این دگرگونی ها به سرعت زمینه انزوی آنها را فراهم کرده است.

در این بین نباید از نظر دور داشت که اکثریت طلبه های حوزه های علمیه، از میان دهقانان و لایه های متوسط شهری برخاسته اند و طبیعتا

با آزاد شدن خرید و فروش اراضی کشاورزی در سالهای اخیر، بسیاری از دهقانان کم زمین و خرده مالکان زمینهای خویش را به دهقانان مرفه و زمینداران بزرگ فروخته و به توده خوش نشینان روستاها و حاشیه نشینان شهرها پیوسته اند و یا در حال پیوستن هستند.

بهره برداری از زمین در روستاها غالبا به شیوه تولید سرمایه داری انجام می شود. در عین حال، در سال های اخیر، از جمله با احیاء موقوفه خواری و گسترش سیستم مزارعه و سهم کاری و از هم پاشیده شدن واحدهای بزرگ کشاورزی و افت سطح فنی کاشت و داشت و برداشت و دست اندازی به برخی دستاوردهای مبارزه دهقانی، بقایای نظام ارباب رعیتی در پاره ای از نقاط کشور نیز تقویت شده است.

ماهنگ با ادامه قشر بندی در روستاها، روند قطعی شدن جامعه روستایی ایران ادامه دارد و تضاد میان دهقانان کم زمین و بی زمین با زمینداران بزرگ شدت می یابد. کارگران کشاورزی نیز به شدت استثمار می شوند. فقدان شکل های صنفی روستایی، همانند اتحادیه های دهقانی و سندیکاهای ویژه کارگران کشاورزی، از جمله عوامل بازدارنده مبارزه متشکل و قاطع و فراگیر این بخش بزرگ از زحمتکشان کشور است. اما دهقانان طی سالها مبارزه طبقاتی در راه تحقق اصلاحات ارضی، آگاهی و تجربه انقلابی ارزنده ای کسب کرده اند.

عشایر که بخشی از اهالی کشور را تشکیل می دهند، هنوز هم بطور عمده به صورت چادر نشینی و کوچ نشینی، در چارچوب مناسبات واپس مانده ایلی - عشیره ای پسر می پرند و به دامپروری می پردازند. پس از انقلاب نه تنها زندگی عشایر بهبود نیافته، بلکه پیوسته زیر فشار نهادهای سرکوبگر رژیم پدتر شده است. اکثریت افراد عشایر، مردم زحمتکشی هستند که همانند گذشته یوغ بهره کشی و ستم خانها و شیوخ را بر گردن دارند. از این رو زمینه های عینی برای پیوستن آنها به صفوف مبارزه سایر زحمتکشان وجود دارد.

خرده بورژوازی و لایه های بینابینی

خرده بورژوازی و لایه های بینابینی که اکثریت مطلق جامعه شهری را تشکیل می دهند، همواره نقش موثر سیاسی در جامعه ما داشته اند.

پیشه وران و کسبه کماکان در عرصه تولید و توزیع خرده کالایی و خدمات در شهر و روستا سهم مهمی دارند و در انقلاب نیز نقش چشمگیری ایفاء کردند.

کشایشی که در نخستین سالهای پس از انقلاب در نتیجه کاهش فشار دستگاه اداری بر توزیع خرده کالایی در وضع پیشه وران و کسبه بوجود آمده بود، بر اثر هرج و مرج اقتصادی و تسلط فزاینده تجار و سرمایه داران بزرگ بر صادرات غیر نفتی سنتی و همچنین بخش چشمگیری از واردات و توزیع کالا که نتیجه سیاست ارتجاعی رژیم بود، از بین رفت. در نتیجه، تضاد میان خرده بورژوازی شهری در مجموع خود با تجار و سرمایه داران بزرگی که در راس اتحادیه های اصناف قرار گرفته و اعتبارات بانکی و توزیع کالا و مواد خام و نیم ساخته را در اختیار دارند، تشدید شده است.

این گروه اجتماعی در آینده نیز می تواند مواضع سیاسی مترقی اتخاذ کند. خرده بورژوازی در اساس در تحقق آماج های انقلاب ملی و دمکراتیک ذینفع است. اکثریت پیشه وران و کسبه که از لایه های میانی و پایینی جامعه هستند، به اتکاء تجربه گذشته با احیاء و بازسازی نظام سرمایه داری انحصاری مخالفت دارند.

با این وجود نباید از نظر دور داشت که خرده بورژوازی خصلتی دوگانه دارد. این خصلت برخاسته از ماهیت طبقاتی خرده بورژوازی است که بین پرولتاریا و بورژوازی در نوسان است. خرده بورژوازی در مبارزه علیه تسلط و ستم کلان سرمایه داران وابسته، به پرولتاریا نزدیک تر می شود، در عین حال باید در نظر داشت که در اوج مبارزه ضد سرمایه داری می تواند به متحد بورژوازی تبدیل گردد. گرایش های ترقیخواهانه لایه هایی از خرده بورژوازی در سطحی است که آنها را در موضع انقلابی رادیکال قرار می دهد. دمکرات های انقلابی از این لایه ها پرمی خیزند.

لایه هایی از تهیدستان شهرها، دهقانانی که در جستجوی کار به حاشیه شهرهای بزرگ کوچ کرده اند و نیمه پرولترها در انقلاب بهمین تحرک معینی

بعد از انقلاب عده قابل ملاحظه‌ای از روحانیونی که در پست‌های وزارت، مدیرکلی و سرپرستی بنیادها و دادگاه‌های شرع و غیره قرار گرفتند و نیز برخی از فرماندهان ارتش و سپاه و بسیج و ژاندارمری شهرانی و کمیته‌ها به زمره عناصر تشکیل دهنده پورژوازی پوروکراتیک درآمدند. رشد پوروکراسی، حیف و میل اموال دولتی، دادن و گرفتن رشوه، تبعیض و غیره، نتیجه عملکرد پورژوازی پوروکراتیک است.

پورژوازی پوروکراتیک از لحاظ تاریخی در راستای تشدید وابستگی کشور به انحصارهای فراملیتی کام برمی‌دارد و برای حفظ موقعیت خود به منافع و مصالح ملی پشت می‌کند. پورژوازی پوروکراتیک، آلت دست ارتجاع، ضدانقلاب و امپریالیسم در کشورماست و با هرگونه دگرگونی بنیادی و دمکراتیک در جامعه مخالفت می‌ورزد.

ضرورت سرنگون کردن رژیم و تحولات بنیادی

مخالفت مردم با مجموعه سیاست رژیم جمهوری اسلامی، اعم از داخلی و خارجی، به سرعت فزونی می‌گیرد. محل این مخالفت، تضاد آشفتنی‌ناپذیر میان خواستهای مردم از یک سو و رژیم استبدادی قرون وسطایی از سوی دیگر در زمینه تأمین حقوق و آزادیها و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی است.

جامعه ما مدتهاست که به یک تحول بنیادی در همه عرصه‌های زندگی اجتماعی، در جهت تأمین منافع توده‌های زحمتکش نیازمند است. اما سران مرتجع جمهوری اسلامی که در جریان اوچ گیری جنبش انقلابی و در سالهای نخست انقلاب در راستای تحقق خواستهای زحمتکشان داد سخن می‌دادند با رویگردانی از آماجهای ضدامپریالیستی و مردمی انقلاب و درپیش گرفتن سیاست ترور و اختناق و پشتیبانی از منافع کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان راه خیانت را درپیش گرفتند و به تدریج به ضد انقلابیونی عنان گسیخته و سد اساسی پیشرفت جامعه ما تبدیل شدند.

حزب توده ایران برآنست که در حال حاضر، مهمترین، عاجل‌ترین و اساسی‌ترین وظیفه‌ای که در برابر تمام نیروهای انقلابی و میهن‌دوست ایران قرار دارد، سرنگون کردن رژیم قرون وسطایی جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت انقلابی و دمکراتیک است.

حزب توده ایران مرحله انقلاب میهن ما را همچنان مرحله ملی و دمکراتیک می‌داند. تداوم پیگیری و پیروزی نهایی این انقلاب در گرو اعمال رهبری حزب واحد پیشاهنگ طبقه کارگر است و حزب توده ایران در این‌راه مبارزه می‌کند.

شرط ضرور سرنگون کردن رژیم چ.ا. و استقرار حکومت انقلابی و دمکراتیک تشکیل جبهه متحد خلق است. در شرایط کنونی این جبهه طیف وسیعی از همه احزاب، سازمان‌ها و نیروهای رادبرمی‌گیرد که به آماج‌های مردمی و ضدامپریالیستی انقلاب بپایبندند و خواهان تحقق شعار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی هستند. پایگاه اجتماعی این جبهه کارگران، دهقانان، خرده پورژوازی شهری و روشنفکران خلقی است. این جبهه می‌کوشد تا لایه‌هایی از پورژوازی کوچک و متوسط را که در برخی از دگرگونی‌های انقلاب ملی و دمکراتیک ذینفع هستند به سوی خود جلب کند. اتحاد کارگران و دهقانان استخوان بندی چنین جبهه‌ای است.

برای تأمین سرکردگی حزب واحد پیشاهنگ طبقه کارگر در این جبهه، وحدت طبقه کارگر، رزمندگان راه این طبقه و بسیج قشرهای زحمتکش جامعه ضرورت دارد.

از آنجا که رژیم جمهوری اسلامی حیات خویش را با سرکوب مخالفین خود در کشور پیوند زده و ادامه موجودیت خود را در گرو تشدید ترور و اختناق قرار داده است، یگانه راه انتقال قدرت سیاسی به جبهه متحد خلق اعمال قهر انقلابی است. در مبارزه برای سرنگون کردن رژیم می‌توان و باید از تمام اشکال مبارزه، از تظاهرات خیابانی و اعتصاب‌های همگانی گرفته تا مبارزه مسلحانه توده‌ای استفاده کرد. حزب توده ایران تدارک اشکال قهر انقلابی را وظیفه خود می‌داند و توده‌ها را در این راه آماده می‌کند.

پخش چشمگیری از آنها - تا زمانی که بطور عمده دستشان به منابع مالی و موقوفه‌های در انحصار روحانیت بزرگ نرسیده است - از پایگاه طبقاتی خودمتاثرند. در میان آنها هستند کسانی که تحت تاثیر عوامل گوناگون از جمله موقعیت اجتماعی خود و نیز گسترش نفوذ نیروهای انقلابی، به مخالفت با محافل ارتجاعی روحانیون و سران مرتجع جمهوری اسلامی می‌پردازند.

طبقه سرمایه‌دار (پورژوازی)

پس از پیروزی انقلاب، طبقه سرمایه‌دار (پورژوازی) دچار دگرگونی‌های کمی و کیفی چشمگیر شده است. سرمایه‌داران بزرگ وابسته که از نظر اقتصادی و سیاسی پایگاه عمده رژیم شاه را تشکیل می‌دادند، متحمل ضرباتی شدند. این ضربات در برخی از رشته‌های اقتصادی قویتر و در برخی دیگر ضعیف‌تر بود.

پورژوازی تجاری که یکی از منابع عمده درآمد قشر فوقانی روحانیت است، با بهره جویی از مناسبات طبقاتی و سیاسی ریشه‌دار با سازمانهای سیاسی - مذهبی توانست پیش از دیگر قشرهای پورژوازی مواضع خود را در عرصه‌های اقتصادی - سیاسی تحکیم کرده و گسترش دهد.

ثروت اندوزی از طریق احتکار و گرانفروشی و چپاول بی‌بندوبار توده‌های زحمتکش در سالهای بعد از انقلاب، در سراسر تاریخ رشد سرمایه‌داری در کشور ما بی‌سابقه است. در این میان گروه بازاریان بزرگ پیرو خمینی - که علاوه بر تجارت در تولید نیز شرکت دارند - و نیز واسطه‌ها، از امکان‌های ویژه‌ای برای ثروت اندوزی برخوردار شده‌اند. اشتغال منظم گروهی از روحانیون به امور تجاری، ساختمانی و مقاطعه‌کاری در مشارکت با کلان سرمایه‌داران که از ویژگی‌های سالهای پس از انقلاب بهمن ۵۷ بشمار می‌رود، سبب تقویت بیشتر پنبه مالی و در نتیجه موقعیت سیاسی پورژوازی تجاری شد. این قشر از پورژوازی حلقه واسط میان انحصارهای امپریالیستی و بازار ایران است.

افزایش قدرت مالی و سیاسی این گروه از پورژوازی و استوار شدن مواضع آن در حاکمیت، در فراهم ساختن شرایط ضرور برای عدول رژیم از آماج‌های انقلاب و گرایش به سوی امپریالیسم و ایجاد زمینه‌های بازسازی مواضع سرمایه‌داری وابسته و امپریالیسم در ایران، نقش پراهمیت و انکارناپذیری داشت.

پورژوازی صنعتی متوسط و کوچک، که با تولید داخلی سروکار دارد، از نظر کمی پخش چشمگیری از سرمایه‌داران ایران را تشکیل می‌دهد. تمایل به دستیابی به منابع مالی و اعتباری که در دوران رژیم گذشته نصیب سرمایه‌داران بزرگ وابسته و انحصارهای امپریالیستی همدست آنها می‌شد، مهمترین انگیزه پیوستن این پخش پورژوازی به انقلاب بود.

اکثر سرمایه‌داران صنعتی متوسط و کوچک به دلیل حمایت رژیم از پورژوازی بزرگ تجاری و درپیش گرفتن سیاست درهای باز، علیرغم تمایل ماهوی به نزدیکی با امپریالیسم، دارای گرایش‌های ضدامپریالیستی و مخالف رژیم "ولایت فقیه" و استبداد مذهبی هستند. گرایش ضدامپریالیستی این پخش از پورژوازی به تناسب درجه اعمال سیاست نواستعماری امپریالیسم و یا درگیریها و اختلاف‌های درونی سرمایه‌داری در مجموع خود تغییر می‌کند. در اوضاع و احوال کنونی، اداره چنگ و اختصاص دادن مرچه بیشتر درآمد نفت به مصارف نظامی و مشکلات تأمین مواد خام، قطعات یدکی، نیم ساخته و ماشین‌آلات این وضعیت را تشدید کرده است.

لایه‌هایی از پورژوازی متوسط و کوچک می‌توانند در مرحله انقلاب ملی و دمکراتیک شرکت جویند، اما باید دو جنبه توان انقلابی و گرایشهای ضدامپریالیستی آنها را از هم تمیز داد و به ویژه در نظر داشت که پورژوازی با دگرگونی‌های بنیادی به سود محرومان جامعه، موافق نیست و لذا فاقد توان انقلابی است.

لایه‌های بالای کارمندان در خدمت رژیم "ولایت فقیه"، در واقع "نسل" جدید تشکیل دهنده پورژوازی پوروکراتیک هستند. پورژوازی پوروکراتیک به گروهی از کارمندان کشوری و لشکری در دستگاه دولتی اطلاق می‌شود که با سوء استفاده از موقعیت خویش به گردآوری ثروت می‌پردازد. خودداری حاکمیت از درهم شکستن یا نوسازی دستگاه اداری رژیم گذشته، زمینه‌ها و محل‌های عینی رشد مجدد و انگلی پورژوازی پوروکراتیک را فراهم کرد.

نظر حزب توده ایران در باره حکومت انقلابی و دموکراتیک و برنامه آن

دعوت مجلس موسسان برای تنظیم و تصویب قانون اساسی و تعیین نهادهای حاکمیت نوین به عهده جبهه متحد خلق خواهد بود. اعضاء مجلس موسسان با رای مساوی، مستقیم و مخفی، از میان تمام شهروندان ایرانی، صرفنظر از جنس، زبان، ملیت، دین و تعلقات سیاسی و عقیدتی انتخاب می شوند. مجلس موسسان موظف است که درباره نوع حکومت و قانون اساسی جدید تصمیم بگیرد. در فاصله سقوط رژیم و تصویب قانون اساسی جدید، اداره امور کشور به عهده یک دولت موقت است که باید از جانب رهبری جبهه متحد خلق به کار گمارده شود.

حزب توده ایران به اتکای تجربه های دو انقلاب ایران در سده حاضر و بررسی انقلاب های دیگر در این دوره، نظرات خود را در باره برنامه حکومت آینده که شکل آن جمهوری است به شرح زیر در معرض افکار عمومی می گذارد:

الف - تحول در سازمان حکومتی

۱ - حکومت انقلابی و دموکراتیک دستگاه دولتی ارتجاعی را درهم می شکنند. این حکومت هر نوع رژیم تئوکراتیک را نفی و از آن قوانین اجتماعی تبعیت می کند که متناسب با سطح تکامل عینی جامعه تدوین گردد و به اقتضای تغییر شرایط و بنا به ضرورت های نوین دگرگون شود.

در حکومت انقلابی و دموکراتیک ادیان و مذاهب مورد احترامند. بی احترامی به پاورهای مذهبی مردم و اعمال تزییفات علیه پیروان مذاهب مختلف محکوم می شود.

۲ - این حکومت انقلابی و دموکراتیک به جبهه متحد نیروهای انقلابی و دموکراتیک جامعه تکیه می کند و بر اساس اتحاد و اوطلمانه کلیه خلق های ایران و بر مبنای احترام متقابل و حقوق برابر تشکیل می گردد.

۳ - کلیه ارکان های حکومت انقلابی و دموکراتیک از پائین تا بالا از طرف مردم (یا نمایندگان آنها) و با رای مساوی، مستقیم و مخفی انتخاب خواهند شد، که در پراهر مردم یا سخگو خواهند بود.

۴ - مجلس شورای ملی ایران، عالی ترین مرجع قدرت حکومتی است که در آن نمایندگان برگزیده مردم شرکت می کنند. قانونگزاری، انتخاب دولت و نظارت بر اعمال آن، از وظایف مجلس است.

۵ - ارکان های محلی که توسط توده های وسیع مردم برای اداره امور کشور انتخاب می شوند عبارتند از شوراهای استان، شهرستان، شهر، بخش و ده. در مناطق ملی، این شوراها در چارچوب حکومت خودمختار ملی تشکیل می گردند.

۶ - حکومت انقلابی و دموکراتیک باید دارای نیروهای مسلح دفاعی و انتظامی باشد. نیروهای مسلح جمهوری باید مجری اراده خلق باشند. افسران، درجه داران و افراد نیروهای مسلح ایران باید مانند دیگر شهروندان از کلیه حقوق سیاسی و اجتماعی برخوردار شوند.

۷ - حکومت انقلابی و دموکراتیک استقلال قضائی را بر اساس انتخاب دموکراتیک قضات تامین خواهد کرد.

ب - حقوق و آزادی های سیاسی فردی و اجتماعی

۱ - انحلال کلیه ارکان های سرکوبگر و تفتیش عقاید موجود و الغاء کلیه قوانین منافعی با حقوق خلق.

۲ - آزادی کلیه زندانیان سیاسی، اعلام بی درنگ بی اعتبار بودن اتهام ها و احکام دادگاه های " شرع " - اعم از نظامی و غیر نظامی - علیه مبارزان راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی و اعاده حیثیت و تامین حقوق پایمال شده این مبارزان.

۳ - تضمین خدشه ناپذیر آزادی عقیده، دین، بیان، قلم، آزادی مطبوعات، اجتماعات، احزاب و سازمان های صنفی؛ آزادی در انتخاب شغل و محل سکونت؛ آزادی مسافرت؛ آزادی اعتصاب؛ آزادی دفاع در محاکم با برخورداری از مصونیت های فردی.

۴ - تامین حق انتخاب کردن برای کلیه افراد ۱۸ سال به بالا و حق انتخاب شدن برای کلیه افراد ۲۵ سال به بالا صرفنظر از جنس، نژاد، مذهب، عقیده، ملیت، سواد، شغل.

۵ - شناسائی و تضمین حق تشکیل آزادانه سازمان های صنفی (سندیکا، اتحادیه، شورا، تعاونی و غیره) برای کلیه کارگران، دهقانان، کارمندان و دیگر زحمتکشان شهر و روستا در مقیاس های واحد کار، رشته کار، منطقه کار و در مقیاس سراسری.

۶ - تضمین حق مشارکت واقعی سازمان های مستقل صنفی کارگران و زحمتکشان در اداره امور مربوط به شرایط کار و زندگی آنان در بخش های تولیدی، اداری و خدمات.

۷ - شناسائی و تضمین حق پیوستن سازمان های مستقل صنفی کارگران و زحمتکشان به اتحادیه ها و فدراسیون های منطقه ای، قاره ای، جهانی و فرام کردن شرایط لازم برای مراوده، مکاتبه، اعلام همبستگی و مبادله اطلاعات سندیکایی، اجتماعی و سیاسی با آنها.

ج - مسئله ملی

۱ - ایران کشوری است کثیرالمله و در آن ملت های گوناگون (فارس ها، آذربایجانی ها، کردها، بلوچها، ترکمن ها، عرب ها و غیره) زندگی می کنند که دارای سرزمین، زبان و آداب، آئین ها و رسوم ویژه خود هستند. افزون بر آن، اقلیت های ملی - مذهبی در سراسر کشور بصورت پراکنده وجود دارند. رشته های مختلفی واحدهای ملی ساکن ایران را به هم پیوند می دهد. آنها طی سده های متمادی تاریخ و سرنوشت مشترکی داشته اند، در ابداع و ایجاد فرهنگ غنی ایران پام همکاری کرده اند و در ادوار مختلف در راه استقلال و آزادی میهن مشترک خویش دوشادوش یکدیگر دست به فداکاری های بیشماری زده اند.

۲ - حکومت انقلابی و دموکراتیک طرفدار برابری کامل حقوق کلیه ملت ها، اقوام و اقلیت های ملی - مذهبی و اتحاد آنها در چارچوب میهن واحد بر پایه حفظ تمامیت ارضی کشور ایران است. حکومت انقلابی و دموکراتیک برای حل مساله ملی اصول زیرین را پایه عمل خود قرار می دهد:

- تامین حق کامل خلق های ساکن ایران در تعیین سرنوشت خویش،

- شناسائی حق اقلیت های ملی - مذهبی ساکن ایران (ارمنی، آسوری، زرتشتی، کلیسی و غیره) در برخوردار شدن از کلیه حقوق ملی، اجتماعی و فرهنگی خود.

د - سیاست خارجی

سیاست خارجی حکومت انقلابی و دموکراتیک باید مستقل و فعال و در انطباق کامل با نیازهای استقلال و امنیت کشور و نیز در راستای ایجاد شرایط ضرور برای شکوفائی اقتصاد ملی باشد و بر اصول زیرین استوار گردد:

- تمامیت ارضی، تامین و تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی کشور؛

- پایان دادن به غارت انحصارهای خارجی در ایران؛

- استقرار مناسبات دوستانه و برابری حقوق با همه کشورهای جهان که استقلال میهن ما را به رسمیت می شناسند و آماده هستند تا از تلاش خلق های ما در راه دفاع از استقلال کشور و تحکیم آن پشتیبانی کنند؛

- عقد قرارداد دوستی و عدم تجاوز با همه کشورهای همسایه و تلاش در راه انعقاد پیمان امنیت جمعی در منطقه خاورمیانه و نزدیک و سراسر آسیا برای آزاد ساختن منطقه از سلاح های هیبتی ای و پایگاه های نظامی خارجی؛

- شرکت فعال ایران در جنبش غیر متعهد ها و عدم شرکت در گروه بندی ها و پیمان های تجاوزکارانه، اعم از نظامی و یا شبه نظامی؛

- دفاع فعال از صلح جهانی به مثابه یک وظیفه انقلابی؛

- پشتیبانی مادی و معنوی همه جانبه از تمام جنبش های آزادیبخش ملی در سراسر جهان، برای درهم شکستن سلطه امپریالیسم.

ه - رشد اقتصادی

۱ - نظام اقتصادی در مرحله کنونی رشد مشخص - تاریخی جامعه ما در سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی، بر پایه تقویت بدون وقفه بخش های دولتی و تعاونی در همه زمینه های تولید صنعتی و کشاورزی و توزیع محصولات عمده مصرفی، تحدید، کنترل و هدایت بخش خصوصی از سوی دولت استوار خواهد بود.

۲- تامین و تضمین قانونی حداقل حقوق و دستمزد برای زحمتکشان، متناسب با نیازهای مادی و معنوی خانواده‌های آنها و ترمیم سالانه حقوق دستمزد با توجه به نوسان‌های هزینه زندگی؛
 - پرداخت دستمزد و حقوق متناسب با کمیت و کیفیت کار به کارگران و جلوگیری از تأثیر نامطلوب نوسان‌های اقتصادی بر زندگی آنها؛
 - پرداخت کمک معاش به کارگران و کارمندان، نسبت به تعداد افراد تحت تکفل آنان؛

۳- در دوران مابین با رشد نیروهای مولده تکامل مناسبات تولیدی، انقلاب علمی و فنی و گسترده‌گی مناسبات بین‌المللی، اقتصاد ملی به صورت مجموعه‌ای بس بفرنج درآمده است. درجهان امروز تجربه‌های گرانبها و ارزشمندی برای تنظیم برنامه‌های اقتصادی برپایه شناخت علمی و با در نظر گرفتن تناسب میان هدف‌های مشخص اندوخته شده است که باید از آنها برای تنظیم برنامه رشد اقتصادی کشور بهره جست. برای رسیدن به این هدف، برنامه‌ریزی دقیق علمی منطبق با امکان‌ها و شرایط کشور ضرورت جدی دارد.

۴- هدف از رشد اقتصادی ایران عبارت است از دگرگون سازی بنیادی ساختار اقتصاد ملی یعنی درهم شکستن ترکیب اقتصاد واپس مانده و وابسته کنونی و پایه‌گذاری اقتصادی با ساختار موزون و پیشرفته متکی بر استفاده معقول از منابع طبیعی داخلی، توجه به اولویت‌های صنعتی برای تأمین استقلال اقتصادی از طریق احداث و توسعه آن رشته‌های تولیدی که بی‌ستون ترقی و خودکفائی مجموعه اقتصاد ملی را تشکیل می‌دهند.

۵- حل مسئله ارضی به مفهوم حل مسئله مالکیت زمین و مناسبات طبقاتی در روستاها، ضرورت مبرم دارد. حکومت انقلابی و دمکراتیک باید شعار "زمین از آن کسی است که روی آن کار می‌کند" را از حرف به عمل درآورد و اصلاحات ارضی و آبی به سوده‌هفانان بی‌زمین و کم‌زمین را در راس برنامه خود قرار می‌دهد. محتوی عمده این اصلاحات عبارت است:

۱- مصادره ارضی بزرگ مالکان بسوده‌هفانان بی‌زمین و کم‌زمین و همچنین واگذاری ارضی موقوفه به دهقانانی که روی آن کار می‌کنند. کلیه این امور با نظارت شوراها و اتحادیه‌های دهقانی انجام می‌گیرد؛

۲- متشکل ساختن دهقانان در شرکت‌های تعاونی تولید؛

۳- ایجاد واحدهای بزرگ و مدرن کشت و دامپروری بوسیله شرکت‌های تعاونی تولید؛

۴- خرید مازاد تولیدات کشاورزی به وسیله دولت و پایان بخشیدن به غارتگری سلف‌خرها و واسطه‌ها و غیره؛

۵- تعویب بخش دولتی اقتصاد کشاورزی؛ شامل موسسات کشت و صنعت و دامداری بزرگ.

۶- ملی کردن بازرگانی خارجی و نظارت بر توزیع کالاهای عمده مصرفی از طرف دولت و تعاونی‌ها. آنچه در این عرصه مهم و حیاتی باشد در نظر گرفته شود عبارت است از:

۱- تشکیل موسسات ویژه دولتی برای برنامه‌ریزی واردات و صادرات؛

۲- حذف کلیه واسطه‌ها، در بخش تدارکات و توزیع؛

۳- کمک به فروشندگان جزء و تعاونی‌های توزیع؛

۴- تأسیس فروشگاه‌های بزرگ دولتی به منظور تثبیت قیمت‌ها و جلوگیری از اجتنکار و گرانفروشی.

۵- تنظیم و توزیع عادلانه درآمد ملی یکی از مهمترین وظایف حکومت انقلابی است که باید از طریق تنظیم بودجه کل کشور به سود زحمتکشان تحقق یابد. این امر از راه‌های زیر انجام می‌گیرد:

۱- ایجاد تناسب معقول و علمی میان دوی بخش انباشت اجتماعی و مصرف در مجموعه اقتصاد ملی و تقسیم علمی و متناسب بخش اخیر (مصرف) به دو رشته مصرف عمری و مصرف خصوصی؛

۲- تدوین قانون جدید مالیات در جهت تنظیم عادلانه درآمد ملی؛

۳- تأمین کار و رفاه اجتماعی برای همه افراد جامعه در این زمینه حکومت انقلابی و دمکراتیک باید وظایف زیرین را عملی سازد:

۱- تأمین اشتغال برای همه شهروندان در سن کار، اعم از زن و مرد و از بین بردن بیکاری و نیمه بیکاری؛

۲- تکمیل و توسعه شبکه آموزش و پرورش در سراسر کشور و توجه بیشتر به مناطق عقب افتاده، تأمین آموزش اجباری و رایگان کودکان و نوجوانان در شهر و روستا و فراهم ساختن شرایط آموزش عالی بطور رایگان، ایجاد شبکه وسیع آموزش حرفه‌ای، بسط شبکه کودکانستان‌ها، دبستان‌ها و دبیرستان‌ها به تناسب نیازهای کشور، گسترش کمی و کیفی دانشگاه‌ها و مدارس عالی‌پایه در رشته‌های فنی و پزشکی برای رسیدن به خودکفائی در

۳- تأمین و توزیع عادلانه درآمد ملی یکی از مهمترین وظایف حکومت انقلابی است که باید از طریق تنظیم بودجه کل کشور به سود زحمتکشان تحقق یابد. این امر از راه‌های زیر انجام می‌گیرد:

۱- ایجاد تناسب معقول و علمی میان دوی بخش انباشت اجتماعی و مصرف در مجموعه اقتصاد ملی و تقسیم علمی و متناسب بخش اخیر (مصرف) به دو رشته مصرف عمری و مصرف خصوصی؛

۲- تدوین قانون جدید مالیات در جهت تنظیم عادلانه درآمد ملی؛

۳- تأمین کار و رفاه اجتماعی برای همه افراد جامعه در این زمینه حکومت انقلابی و دمکراتیک باید وظایف زیرین را عملی سازد:

۱- تأمین اشتغال برای همه شهروندان در سن کار، اعم از زن و مرد و از بین بردن بیکاری و نیمه بیکاری؛

۲- تکمیل و توسعه شبکه آموزش و پرورش در سراسر کشور و توجه بیشتر به مناطق عقب افتاده، تأمین آموزش اجباری و رایگان کودکان و نوجوانان در شهر و روستا و فراهم ساختن شرایط آموزش عالی بطور رایگان، ایجاد شبکه وسیع آموزش حرفه‌ای، بسط شبکه کودکانستان‌ها، دبستان‌ها و دبیرستان‌ها به تناسب نیازهای کشور، گسترش کمی و کیفی دانشگاه‌ها و مدارس عالی‌پایه در رشته‌های فنی و پزشکی برای رسیدن به خودکفائی در

۲- دمکراتیزه کردن بخش دولتی و توسعه و تحکیم هرچه بیشتر آن در اقتصاد ملی به منظور تجدید نظر در مالکیت وسائل تولید و ایجاد تحول بنیادی در تقسیم محصول ملی و درآمد ملی به نفع توده‌های محروم، استفاده از اهرم‌های مناسبات کالایی و پولی متمرکز در دست دولت برای بالابردن میزان سودآوری و ثمر بخشی اقتصاد، افزایش انباشت داخلی، تأمین رشد موزون و مداوم اقتصادی و بالا بردن سطح زندگی توده‌های زحمتکش، از وظایف اساسی حکومت انقلابی و دمکراتیک است.

۳- در دوران مابین با رشد نیروهای مولده تکامل مناسبات تولیدی، انقلاب علمی و فنی و گسترده‌گی مناسبات بین‌المللی، اقتصاد ملی به صورت مجموعه‌ای بس بفرنج درآمده است. درجهان امروز تجربه‌های گرانبها و ارزشمندی برای تنظیم برنامه‌های اقتصادی برپایه شناخت علمی و با در نظر گرفتن تناسب میان هدف‌های مشخص اندوخته شده است که باید از آنها برای تنظیم برنامه رشد اقتصادی کشور بهره جست. برای رسیدن به این هدف، برنامه‌ریزی دقیق علمی منطبق با امکان‌ها و شرایط کشور ضرورت جدی دارد.

۴- هدف از رشد اقتصادی ایران عبارت است از دگرگون سازی بنیادی ساختار اقتصاد ملی یعنی درهم شکستن ترکیب اقتصاد واپس مانده و وابسته کنونی و پایه‌گذاری اقتصادی با ساختار موزون و پیشرفته متکی بر استفاده معقول از منابع طبیعی داخلی، توجه به اولویت‌های صنعتی برای تأمین استقلال اقتصادی از طریق احداث و توسعه آن رشته‌های تولیدی که بی‌ستون ترقی و خودکفائی مجموعه اقتصاد ملی را تشکیل می‌دهند.

۵- حل مسئله ارضی به مفهوم حل مسئله مالکیت زمین و مناسبات طبقاتی در روستاها، ضرورت مبرم دارد. حکومت انقلابی و دمکراتیک باید شعار "زمین از آن کسی است که روی آن کار می‌کند" را از حرف به عمل درآورد و اصلاحات ارضی و آبی به سوده‌هفانان بی‌زمین و کم‌زمین را در راس برنامه خود قرار می‌دهد. محتوی عمده این اصلاحات عبارت است:

۱- مصادره ارضی بزرگ مالکان بسوده‌هفانان بی‌زمین و کم‌زمین و همچنین واگذاری ارضی موقوفه به دهقانانی که روی آن کار می‌کنند. کلیه این امور با نظارت شوراها و اتحادیه‌های دهقانی انجام می‌گیرد؛

۲- متشکل ساختن دهقانان در شرکت‌های تعاونی تولید؛

۳- ایجاد واحدهای بزرگ و مدرن کشت و دامپروری بوسیله شرکت‌های تعاونی تولید؛

۴- خرید مازاد تولیدات کشاورزی به وسیله دولت و پایان بخشیدن به غارتگری سلف‌خرها و واسطه‌ها و غیره؛

۵- تعویب بخش دولتی اقتصاد کشاورزی؛ شامل موسسات کشت و صنعت و دامداری بزرگ.

۶- ملی کردن بازرگانی خارجی و نظارت بر توزیع کالاهای عمده مصرفی از طرف دولت و تعاونی‌ها. آنچه در این عرصه مهم و حیاتی باشد در نظر گرفته شود عبارت است از:

۱- تشکیل موسسات ویژه دولتی برای برنامه‌ریزی واردات و صادرات؛

۲- حذف کلیه واسطه‌ها، در بخش تدارکات و توزیع؛

۳- کمک به فروشندگان جزء و تعاونی‌های توزیع؛

۴- تأسیس فروشگاه‌های بزرگ دولتی به منظور تثبیت قیمت‌ها و جلوگیری از اجتنکار و گرانفروشی.

و- اصلاحات اجتماعی

۱- تنظیم و توزیع عادلانه درآمد ملی یکی از مهمترین وظایف حکومت انقلابی است که باید از طریق تنظیم بودجه کل کشور به سود زحمتکشان تحقق یابد. این امر از راه‌های زیر انجام می‌گیرد:

۱- ایجاد تناسب معقول و علمی میان دوی بخش انباشت اجتماعی و مصرف در مجموعه اقتصاد ملی و تقسیم علمی و متناسب بخش اخیر (مصرف) به دو رشته مصرف عمری و مصرف خصوصی؛

۲- تدوین قانون جدید مالیات در جهت تنظیم عادلانه درآمد ملی؛

۳- تأمین کار و رفاه اجتماعی برای همه افراد جامعه در این زمینه حکومت انقلابی و دمکراتیک باید وظایف زیرین را عملی سازد:

۱- تأمین اشتغال برای همه شهروندان در سن کار، اعم از زن و مرد و از بین بردن بیکاری و نیمه بیکاری؛

۲- تکمیل و توسعه شبکه آموزش و پرورش در سراسر کشور و توجه بیشتر به مناطق عقب افتاده، تأمین آموزش اجباری و رایگان کودکان و نوجوانان در شهر و روستا و فراهم ساختن شرایط آموزش عالی بطور رایگان، ایجاد شبکه وسیع آموزش حرفه‌ای، بسط شبکه کودکانستان‌ها، دبستان‌ها و دبیرستان‌ها به تناسب نیازهای کشور، گسترش کمی و کیفی دانشگاه‌ها و مدارس عالی‌پایه در رشته‌های فنی و پزشکی برای رسیدن به خودکفائی در

دادگاه، قضاوت و غیره؛

- پرداخت دستمزد مساوی به زنان و مردان در مقابل کار مساوی، ایجاد شبکه فراگیر شیرخوارگاه ها و کودکستان ها برای کمک به زنان زحمتکش و ایجاد امکان تربیت اجتماعی کودکان در سال های پیش از مدرسه؛

- معافیت زنان از انجام کارهای سنگین و نامتناسب با وضع جسمی آنان؛

- حق اشتغال به کار سبک به هنگام بارداری و حق برخورداری مادر از

مرخصی با حقوق در زمان بیماری کودک؛

- تامین حداقل ۴ ماه مرخصی زایمان با دریافت حقوق برای شاغل و

تضمین بازگشت آنها به کار؛

- تامین حق استفاده از مرخصی بدون حقوق برای زنان باردار، تا

یک سال پس از زایمان با حفظ محل خدمت؛

- تامین حق برخورداری زنان از آموزش تخصصی برای دسترسی به مدارج

علمی و ارتقاء شغلی برابر با مردان؛

ط- جوانان

۱- توجه به ایجاد امکان رشد همه جانبه نوجوانان و جوانان و تامین شرایط لازم برای پرورش و آماده کردن آنان به منظور انجام وظایف تاریخی خود در آینده. بدین منظور علاوه بر آموزش در مدارس و از طریق رسانه های گروهی از قبیل رادیو و تلویزیون، ایجاد شبکه وسیع موسسات و سازمان های پژوهشی، هنری، علمی و فنی برای فعالیت آزاد و داوطلبانه جوانان ضرور است.

۲- گسترش هرچه بیشتر ورزش برای تامین تندرستی و شادابی و بهداشت عمومی، پرورش روحیه انسان دوستانه و صلح جوینان و سلامت اخلاقی و تامین و تقریحات سالم برای جوانان و الغاء مقررات و قوانین ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی در زمینه ورزش.

* * *

حزب توده ایران برنامه خود را که بازناب آرمان های ملی و دمکراتیک توده های وسیع خلق در مرحله مشخص تاریخی کنونی است، عرضه می دارد. حزب توده ایران همه اعضا و هواداران خود، همه قشرهای زحمتکش و مترقی جامعه و در درجه اول طبقه کارگر و متحدانش، دهقانان تهیدست، پیشه وران، روشنفکران ترقی خواه و میهن دوست ایران را فرا می خواند که برای عملی شدن این برنامه که یگانه راه تحقق آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی و نیز راهکشی حرکت به سوی جامعه نوین عاری از استثمار فرد از فرد است تلاش ورزند.

این زمینه ها، تجدید نظر در برنامه های آموزشی به قصد زدودن اثرات مخرب و ارتجاعی عملکرد سران رژیم جمهوری اسلامی از نظام آموزشی کشور، پرداخت کمک هزینه تحصیلی به دانشجویان خانواده های کم درآمد، آموزش به زبان مادری در تمام سطوح و مهارزه قاطع با پیسوادی.

ز- فرهنگ اجتماعی، شکوفایی علم و فن

۱- شکوفائی فرهنگ غنی مردمی و ملی در کلیه ابعاد آن. زدودن کلیه مظاهر ارتجاعی و قرون وسطائی از جامعه به مثابه یکی از دردناکترین پیامدهای تسلط نظام " ولایت فقیه " و در عین حال زدودن اثرات سوء فرهنگ نواستعماری که از جانب امپریالیسم به کشور ما تحمیل شده است.

۲- احیاء فرهنگ ملی خلق های ساکن ایران و کوشش در راه شکوفائی ادبیات و رشته های گوناگون هنری و سنن و آداب و رسوم خلق ها. الغاء کلیه قوانینی که مانع پیشرفت هنر موسیقی، سینما، نقاشی، پیکره سازی، تئاتر و مجموعه هنرهای اصیل ملی می شود و ترویج آنها.

۳- رشد همه جانبه علم و فن و استفاده از دستاوردهای انقلاب علمی و فنی برای تامین خودکفائی از طریق ایجاد، تعمیم و گسترش تکنیک و تکنولوژی و پایان دادن به وابستگی در این زمینه،

۴- بالا بردن درجه تخصص و کاردانی از طریق تربیت کادر در زمینه های علمی و فنی و تشویق طراحان و مخترعان و مهندسان خلاق،

۵- تشکیل فرهنگستان علوم.

ح- زنان

رفع کلیه محرومیت های اجتماعی از زنان و تامین برابری کامل با مردان در همه عرصه های زندگی اجتماعی. تدابیری که حکومت انقلابی و دمکراتیک در این زمینه باید اتخاذ کند، عبارتند از:

- الغای بی درنگ همه قوانین مغایر با شئون اجتماعی و انسانی زن که رژیم جمهوری اسلامی از تصویب گذرانده است؛

- سلب حقوق چند مسری و طلاق یکجانبه مردان؛

- افزایش سن قانونی ازدواج برای دختران؛

- الغاء کلیه محدودیت های قانونی و عملی که جمهوری اسلامی در زمینه تحصیل، ورزش و هنر و غیره برای زنان ایجاد کرده است؛

- تضمین حق مشارکت کامل زنان در تولید اجتماعی و اداره امور کشور؛

- تضمین برابری حقوق زن و مرد در زمینه های اشتغال، انتخاب آزادانه مسر، طلاق، برخورداری از ارث، سرپرستی فرزندان، شهادت در برابر

نامه مردم را بخوانید و به بخش آن یاری رسانید!

برای اشتراك "نامه مردم" در خارج از کشور، فرم زیر را پر کرده و به همراه رسید بانکی (بهای اشتراك) به آدرس پستی زیر ارسال نمایید:

اروپا	آمریکا	آسیا
معادل ۲۲ مارك	۲۶ مارك	۲۸ مارك
- ۲۲	- ۵۲	- ۵۶
- ۸۸	- ۱۰۲	- ۱۱۲

بهای اشتراك: سه ماهه
 شش ماهه
 یکساله

آدرس: (لطفا خوانا بنویسید)

كمك مالی به حزب توده ایران
يك وظیفه انقلابی است

حساب بانکی ما:

Sweden
Stockholm
Sparbanken Stockholm
N: 040012650
Dr. John Takman

خوانندگان عزیز!

به این نشانی با ما مکاتبه کنید:

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

NAMEH
MARDOM
No : 118
P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

4 septeber 1986

جبهه متحد خلق

ضامن پیروزی انقلاب است